



عمل پژوهی جمعی در مدرسه راهبردی برای عبور از کور راه‌های تربیت

صبح زود که حیاط مدرسه آب می‌خورد، بچه‌ها که مثل مورچه‌ها در صف‌های مرتب و نامرتب به در مدرسه می‌رسند، صحبت‌ها که گل می‌اندازد و صدای خنده‌ها که بالا می‌رود و زنگ که می‌خورد تربیت دوباره آغاز می‌شود! با همه رنج و شکنج‌هایش، با همه هول و اضطراب‌هایش، با همه فراز و نشیب‌هایش. تربیت آغاز می‌شود با همه زیبایی‌ها و دشواری‌هایش! اینجا مدرسه‌ای است پسرانه در شمال غربی تهران با بچه‌هایی که وقتی می‌خواهند سرود بخوانند، یا به زمین چشم می‌دوزند یا به سقف خیره می‌شوند! از همان‌ها که حیاطی بزرگ دارند با یک آبخوری چند شیر در کنار و درختی که سایه‌هایش در بهار و تابستان خواستنی می‌شوند. از همان‌ها که سالن‌های بزرگی دارند با کلاس‌هایی در دو سو و پانل‌هایی که از شدت اطلاعیه و پیام‌های اخلاقی و پوستری در حال انفجارند. چند روزی از روز معلم گذشته است، اما هنوز بوی بزرگداشت این روز در مدرسه پخش است. در دفتر معلمان مقوایی به دیوار زده‌اند که با مازیک سبز و آبی روی آن نوشته شده است: «پدر مرا از آسمان‌ها به زمین آورد، ولی معلم مرا از زمین به آسمان‌ها برد». ما جایی در میانه این آسمان و زمین، همراه با معلمان و معاونان مدرسه در حال گفت‌وگو درباره چگونگی مواجهه با پرخاشگری‌ها و دعوای بچه‌ها هستیم و لیوان لیوان چای می‌نوشیم.

در میانه جلسه‌های شورای خانه و مدرسه شکل بگیرد. و اینجاست که پای نوعی از عمل پژوهی جمعی، وسط می‌آید که می‌تواند گفت‌وگوها، دغدغه‌ها، خواست‌ها، و اندیشه‌ها را در مدرسه سامان بخشد و همه را حول طرح مسئله و حل آن جمع کند.

نقطه آغاز حرکت

تیمی سه وجهی متشکل از همکاران دانشگاه تهران، مجله رشد و کارکنان مدرسه سید جمال‌الدین اسدآبادی در منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران، در پروژه‌ای مشترک، بنا دارند به صورت آزمایشی، نوعی از عمل پژوهی مشترک را تجربه کنند. در این طرح، قرار است به جای دادن

بسیاری از مسائل تربیتی هستند که در متن‌های علمی راه حل مشخص و دقیقی ندارند، مثل همان مسئله‌های فیزیک که نمی‌شود در آن‌ها از مقاومت هوا و نیروی اصطکاک صرف‌نظر کرد تا برای حل، ساده و آماده شوند. بسیاری از مسائل تربیتی هستند که بیرون از در مدرسه، حتی خوب فهمیده نمی‌شوند تا چه رسد به آن که حل شوند. بسیاری از مسائل مدرسه هستند که اهالی مدرسه ترجیح می‌دهند درون مدرسه باقی بمانند. اندیشیدن به این مسئله‌ها، فکر کردن درباره ابعاد و دلایلشان، و اراده کردن برای حلشان، باید درون مدرسه، در لابه‌لای صحبت‌های زنگ تفریحی معلمان، بین گفت‌وگوهای مدیر و معاونان، در لحظات جلسه‌های شورای معلمان،

دکتر شهین ایروانی، سعیده باقری، دکتر نرگس سجادی، محمدرضا مدنیفر
(گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)

معلمان و معاونان مدرسه معتقدند، دانش آموزان مدرسه رفتارهای اخلاقی قابل ستایشی دارند. در این مدرسه مشکل دزدی وجود ندارد و بچه‌ها بسیار امانت‌دار هستند. آن‌ها عزت نفس بالایی دارند و از پذیرش هر گونه کمکی خودداری و در اظهار کوچک‌ترین نیازی خویشتن‌داری می‌کنند. و بالاخره نسبت به خانواده‌هایشان تعلق و تعصب بسیار دارند.

اولیه از مدرسه، مؤید شرایط دشوار دانش آموزان از نظر وضعیت معیشتی خانوادگی است. اما آنچه موجب دلگرمی است، محبتی است که در کلام و عمل معلمان و معاونان و مدیر مدرسه جاری است و دغدغه‌ای تربیتی است که در مدرسه موج می‌زند.

هر چند در نخستین نگاه، شرایط پیرامون مدرسه، دشواری‌های تربیتی را برجسته می‌سازد، اما حضور در مدرسه، ما را با ابعاد ناپیدا اما زیبای آن هم آشنا می‌کند. معلمان و معاونان مدرسه معتقدند، دانش آموزان مدرسه رفتارهای اخلاقی قابل ستایشی دارند. در این مدرسه مشکل دزدی وجود ندارد و بچه‌ها بسیار امانت‌دار هستند. آن‌ها عزت نفس بالایی دارند و از پذیرش هر گونه کمکی خودداری و در اظهار کوچک‌ترین نیازی خویشتن‌داری می‌کنند. و بالاخره نسبت به خانواده‌هایشان تعلق و تعصب بسیار دارند.

هدف‌های طرح عمل پژوهی:

این طرح پنج هدف عمده دارد:

- زمینه‌سازی برای توجه و تعامل دو عرصه آموزش و پرورش در مدرسه.
- ایجاد فرصت برای توانمندی نیروهای مدرسه در جهت استقلال در حل مسائل تربیتی مدرسه.
- جرقه تشکیل جلسات گروهی در مدرسه و افزایش زمینه‌های تعامل مؤثر معلمان و کارکنان برای طرح و حل مسائل مدرسه.
- تقویت باور به توانمندی جمعی برای بهبود اوضاع مدرسه.
- امکان فراهم سازی الگویی عملی از عمل پژوهی جمعی.

جرقه‌های نخستین و راهبران طرح

برنامه گروه، در اوایل بهمن ماه، با دیداری صمیمانه در دفتر مدیر مدرسه آغاز و قرار حضور در اولین جلسه شورای مدرسه گذاشته شد. موضوع همکاری با دانشگاه و

نسخه‌های پیچیده از قبل گل و بلبل، برویم در یک مدرسه را بزنیم و با هم بنشینیم و چای بخوریم و حرف بزنیم و تلاش کنیم مسئله‌ای تربیتی را با خود معلمان و کارکنان مدرسه و در خود مدرسه حل کنیم. انتخاب این مدرسه، به دلیل آشنایی نسبی با مدیر و معاونان علاقه‌مند و پراکنیزه مدرسه بود که در کارگاه آموزشی ما در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران، فعالانه شرکت کرده بودند. بنابراین هر وجه، مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفت:

● **همکاران دانشگاه تهران:** طراحی کلی برنامه عمل پژوهی و پایش روند اجرای آن. همچنین، همفکری و همراهی در جلسات.

● **مجله رشد:** ایجاد فضایی برای ارائه گزارش کار و همفکری و همراهی جلسات.

● **آموزش و پرورش و همکاران منطقه ۲:** صدور مجوز همکاری با مدرسه و تسهیل ارتباط با آن به عهده همکاران منطقه بود و پیش بردن عمل پژوهی جمعی شامل شرکت در جلسات، مشارکت در مسئله یابی، رصد وضعیت مسئله در مدرسه و در نهایت راه حل یابی و اجرای راه حل‌ها را نیز گرفته‌اند. معلمان و کارکنان مدرسه.

می‌توان گفت، مهم‌ترین بخش فعالیت به نیروهای مدرسه مربوط بود که فعالانه در جلسات شرکت کردند و فرایند عمل پژوهی جمعی را به ثمر نشان‌دند.

نمایی از مدرسه سیدجمال‌الدین اسدآبادی

مدرسه سیدجمال‌الدین اسدآبادی دبستانی است دارای شش پایه. در هریک از شش پایه سه کلاس است و در جمع بیش از ۵۰۰ دانش آموز دارد. همچنین مدرسه گروهی بزرگ از دانش آموزان مهاجر افغان و نیز کودکان کار را در بر گرفته است. روشن است که اجبار به اشتغال در ضمن تحصیل و شرایط دشوار محیطی و خانوادگی، گروه بزرگی از این دانش آموزان را در معرض آسیب‌های اجتماعی و حتی ترک تحصیل قرار می‌دهد. اطلاعات



گام‌های اجرای طرح

گام نخست

تشخیص مسئله: مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در بین بچه‌های مدرسه رایج است و همه را به نحوی درگیر کرده است، **پرخاشگری** است. یکی از معاونان اعتقاد دارد، علت این مسئله بافت خانوادگی بچه‌هاست. دیگری، قرار گرفتن بچه‌های ششمی نزدیک به بلوغ در کنار سایر بچه‌ها را علت ماجرأ می‌داند. اما بحث ما در گام نخست، علت مشکل نیست. ما به دنبال مشکلی فراگیر می‌گردیم که بین کارکنان مدرسه، اجماعی بر وجود و اهمیت آن وجود داشته باشد. شاید دو سه هفته وقت و سه چهار ساعت گفت‌وگوی حدود شش نیروی داوطلب مدرسه برای یافتن مسئله، زمان زیادی نباشد و به همین نسبت نتوان از مسئله‌ای دقیق سخن گفت، اما همین تمرین هم غنیمت است. در فضای کنونی مدارس، مدرسه معمولاً مجمع الجزایری مجزاست. معلمان و معاونان آن قدر گرفتار روزمرگی‌اند که تنها به احوال‌پرسی یا گرفتن خبر از اوضاع و امور شخصی بسنده می‌کنند. خلاصه، بحث بچه‌ها کمتر نقل محافل مشترک است. حالا همین معلمان و معاونانی که برخورد مکررشان اعلام وقت کلاس بوده است، سه چهار ساعت کنار هم نشسته‌اند، به چشمان هم چشم دوخته‌اند و از دغدغه‌های مشترک گفته و شنیده‌اند. دیدن برق این چشم‌ها، وقتی درباره موردی مشترک سخن می‌گویند، وقتی حرف‌های هم را کامل می‌کنند و وقتی با یک تأیید از ته دل، سخن همدیگر را همراهی می‌کنند، دیدنی است... و این‌ها نمادهایی از شکل‌گیری یک هویت واحد و یکپارچه در مدرسه‌اند.

انعکاس این تجربه در ویژه‌نامه رشد معلم، با تمامی معلمان حاضر در جلسه مطرح و قرار شد با توجه به محدودیت‌ها و متفاوت بودن مسائل دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم ابتدایی، اجرای طرح به دوره دوم، یعنی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم محدود شود و معاونان و معلمان داوطلب این سه پایه در برنامه مشارکت داشته باشند. پس از این قرار اولیه، تعدادی از معلمان و معاونان مدرسه در هشت جلسه یک هفته در میان حاضر شدند. این جلسات معمولاً شنبه‌ها بعد از ساعت مدرسه، همراه با اعضای از دانشگاه تهران و عضوی از مجله رشد معلم تشکیل می‌شد. چهار معلم، سه معاون، دو عضو از دانشگاه و یک عضو از مجله و به تناسب مسئله و موضوع، اعضای دیگری از دانشگاه، برای نمونه مشاوره از گروه‌های کودکان استثنایی و مشاوره، و مدیر مدرسه، در جلسات شرکت می‌کردند.

موارد/ تاریخ	
تأیید لفظی	تأیید
تقدیم در سلام	تقدیم
منزلت بخشیدن	منزلت
با آقا خطاب کردن	با آقا
گوش دادن به صحبت‌ها	گوش
نگاه محبت آمیز به دانش آموزان	نگاه
رازداری	رازداری
صحبت تمام با شوخ طبعی	صحبت

به نام خدا							
فرم ثبت گزارش موارد و مولفه های دیده شده در کلاس							
دبستان سیمپل							
سال تحصیلی ۹۴-۹۳							
ردیف	تاریخ	گزارش					
		شنبه ۱۳۹۴/۰۳/۰۳	پنجشنبه ۱۳۹۴/۰۳/۰۴	دوشنبه ۱۳۹۴/۰۳/۰۵	سه شنبه ۱۳۹۴/۰۳/۰۶	چهارشنبه ۱۳۹۴/۰۳/۰۷	ملاحظات
۱	موارد مشاهده شده						
۲	گفتگوهای در مقابل معلم						
۳	گفتگوهای در مقابل معلم	✓	✓	✓	✓	✓	

گام دوم

تقی‌زاده، در انتهای جلسه، نتیجه گفت‌وگوی جلسه را در یک فرم تایپ شده به دست افراد گروه می‌رساند، لبخند رضایتی بر لب‌ها می‌نشیند و همه عزم را جزم می‌کنند تا یک بار دیگر به صورتی هدفمند و دقیق به مشاهده وضعیت رفتار پر خاشگرنه دانش آموزان بپردازند. قرار می‌شود تا دو هفته، معلمان و معاونان، چشم‌هایی شوند که به دقت مسئله را در مدرسه رصد می‌کنند؛ چشم‌هایی که فراوانی‌های موارد مختلف را ثبت می‌کنند و علامت می‌زنند. این مشاهده می‌تواند ذهنیت‌های ما را تعدیل کند. ما را دوباره به واقعیت مدرسه متوجه سازد و نشان دهد در واقعیت چه چیزی برجسته است. **فرم‌های مشاهده نشان می‌دهند، میزان پر خاشگری در مدرسه نیازمند توجه است و این یافته، یعنی در تشخیص مسئله، چندان هم به اشتباه نرفته‌ایم.**

اطمینان از تشخیص درست مسئله: این مرحله را می‌توان بازگشت به واقعیت مدرسه و تلاش برای مشاهده‌ای جمعی و بازتعریف مسئله دانست. این مشاهده باید بتواند وضعیت پر خاشگری را به ما نشان دهد و ما را از تشخیص درست مسئله مطمئن سازد. این کار با انتخاب یک فرم گزارش مشکلات رفتاری و تمرکز بر برخی موارد مد نظر گروه صورت می‌گیرد. بعد از آشنایی با پرسش‌نامه، با توجه به انتخاب پر خاشگری به عنوان مشکل رفتاری، سوالات مربوط به سنجش میزان پر خاشگری، به طور مجزا در یک فرم جای می‌گیرند. این پرسش‌ها و گزینه‌ها، در جلسه‌ای مشترک بررسی می‌شوند. یازده مورد از گزینه‌ها انتخاب و در قالب جدول ثبت مشاهدات برای همکاران تکثیر می‌شوند. وقتی معاونان مدرسه رعنا اسدی و فرحناز

گام سوم

شود و آن‌ها آرامش روحی داشته باشند، کمتر به رفتارهای پر خاشگرنه دست می‌زنند. این راه حل هم تصویب می‌شود. همه این‌ها در دو قالب کلی «احترام گذاشتن» و «بذل توجه به دانش آموزان» دسته‌بندی می‌شود. برای روشن شدن راهکارها، ضمن گفت‌وگو، مصداق‌هایی برای هریک از این راه حل‌ها بیان می‌شود. برای احترام گذاشتن، مواردی چون تأیید لفظی، تقدیم در سلام، منزلت بخشیدن و با لفظ آقا خطاب کردن آن‌ها پیشنهاد می‌شود. برای بذل توجه به دانش آموزان هم مصداق‌هایی چون گوش دادن به صحبت‌ها، نگاه محبت آمیز، رازداری و صحبت با شوخ طبعی مورد تأیید جمع قرار می‌گیرند. بار دیگر این راه حل‌ها در انتهای جلسه در کاغذی تایپ می‌شوند و کاغذ در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. معلمان باید در دو هفته آینده روی این راه حل‌ها تمرکز کنند.

بحث و بررسی درباره راه حل‌ها: با توجه به اهداف پروژه که احیای توانمندی‌های مدرسه برای رفع مشکلات تربیتی دانش آموزان است، راه حل‌ها در تجربیات نیروهای مدرسه نهفته است. کم‌کم معلمان حرف‌هایی برای گفتن یافته‌اند. بعد از تشخیص جمعی مشکل و رصد جمعی آن در واقعیت، نوبت به راه حل‌ها رسیده است. دست معلمان و معاونان در این بخش پر است. حاصل چند هفته فکر جمعی روی موضوع، راه حل‌های متعددی است که روی میز نهاده و در لایه لایه جای و قند، یکی یکی تصویب می‌شوند. دو سه نفری معتقدند باید به بچه‌ها احترام گذاشت و برای صدا کردن آن‌ها از لفظ آقا استفاده کرد تا احساس شخصیت کنند. بقیه هم موافق‌اند که احساس شخصیت باعث می‌شود بچه‌ها محترمانه‌تر برخورد کنند و رفتار بهتری داشته باشند. چند نفر دیگر روی فرصت دادن به بچه‌ها و گوش کردن به درد دل‌هایشان تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند، اگر حرف بچه‌ها با حوصله شنیده

شرح مشاهدات و نتایج آن

رفتارهای مشاهده شده بیشتر است. همکاران مدرسه، به موضوع این افزایش، پیش از استخراج نتایج مشاهدات، به صراحت اشاره کردند. به گفته ایشان، به طور طبیعی، روزهای پایانی سال تحصیلی با افزایش پر خاشگری همراه است، به طوری که در سال‌های گذشته، در چنین روزهایی، مدرسه با مشکلات ناشی از زد و خوردهای جدی بین بچه‌ها مواجه بوده و امسال شرایط بسیار آرام‌تر شده است. با این وصف، هنوز محدودیت‌های پژوهش بیش از آن است که بتوان از آن صرف نظر کرد. از آن جمله، باید به تأثیر افراد دیگری که با دانش‌آموزان سر و کار داشته اما در طرح شرکت نکرده‌اند اشاره کرد. از طرفی توقع تأثیرگذاری یک طرح تربیتی در مدت زمان دو هفته بسیار خوش‌بینانه است و در واقع می‌توان گفت با توجه به اینکه راهکارها شامل به اشتراک گذاشتن روش‌هایی است که خود افراد، بیش از ابتدای سال به کار برده‌اند، می‌توان گفت آنچه مشارکت‌کنندگان گزارش می‌کنند، در واقع تغییری را که نسبت به ابتدای سال تحصیلی در دانش‌آموزان مشاهده می‌کنند نیز شامل می‌شود. از آنجا که ما از وضعیت پر خاشگری در مدرسه در ابتدای سال تحصیلی اطلاعاتی در دسترس نداریم، نمی‌توانیم درستی یا نادرستی آن را نشان دهیم.

مشاهدات در کلاس‌ها توسط معلمان و در راهروها توسط دو نفر از معاونان و یک مشاهده‌گر مستقل در رابطه با وضعیت دانش‌آموزان چهار کلاس شامل دو کلاس پنجم با جمعیت‌های ۳۰ و ۳۲ نفری و دو کلاس ششم با جمعیت‌های ۲۸ و ۲۳ نفری، در طول مدت دو هفته، از تاریخ یکشنبه ۲۳ فروردین تا شنبه ۵ اردیبهشت صورت گرفته. در ادامه، پس از مدت دو هفته، به راه‌حل‌های ارائه شده توجه شد. مجدداً مشاهده‌ها در دو هفته پایانی سال تحصیلی از تاریخ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت تا چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت صورت گرفت. فراوانی موارد مشاهده شده در این دو بازه در جدول زیر مقایسه شده است.

در تفسیر نتایج، همان‌طور که اشاره شد، تفاوت میان جمع کل رفتارهای پر خاشگرانه، نه تنها کاهش نشان نمی‌دهد، بلکه نشان از افزایش نیز دارد. منظور از جمع کل، مجموعه رفتارهای گزارش شده در کلاس‌ها و حیاط و راهروهای مدرسه است، در حالی که وقتی به طور مستقل نتایج کلاس‌های درس بررسی می‌شود، نتایج مؤید کاهش رفتارهای پر خاشگرانه در کلاس‌ها در طول دوره دوم مشاهده رفتار دانش‌آموزان است. در حیاط مدرسه، به دلیل حضور دانش‌آموزان تمام پایه‌ها و نیز معلمانی که در طرح شرکت ندارند و تأثیر نمی‌گیرند، میزان

موارد پر خاشگری مشاهده شده	دو هفته اول	دو هفته دوم
داخل کلاس‌ها	۲۱۱	۱۳۷
خارج از کلاس‌ها	۳۰۲	۴۶۷
جمع کل	۵۱۳	۶۰۴



انواع مشکلات پرورشی در مدرسه

در جریان پروژه روشن شد که مدرسه با دو دسته مشکل پرورشی مواجه است و ورود به هر دسته منجر به یافته‌های قابل تأملی می‌شود:

دسته دوم، مشکلات پرورشی کلان که در واقع به پیامد شرایط خارج از مدرسه مربوط است و بر شرایط و روند پرورشی و به تبع آن آموزشی مدرسه تأثیر می‌گذارد.

مشکلات پرورشی خرد که مشکلات تربیتی جمعی یا فردی دانش‌آموزان را در مدرسه در بر می‌گیرد. مشکلات پرورشی خرد در داخل مدرسه، خود به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. مشکل پرورشی در پیوند با توانایی یادگیری دانش‌آموزان و آمادگی روانی ایشان برای توجه به درس. اختلالات یادگیری دانش‌آموزان، مشکلات اضطرابی و رفتاری ناشی از بیماری یا نابسامانی‌های خانوادگی، نمونه‌هایی از این مشکلات هستند.

۲. مشکلات پرورشی - رفتاری در پیوند با امکان توجه و تمرکز بر درس و یادگیری در کلاس. رعایت نکردن نظم و آرامش و مشکل انگیزش تحصیلی، نمونه‌هایی از این نوع مشکلات هستند.

۳. مشکلات پرورشی - رفتاری در پیوند با فضای عمومی مدرسه که مانع تجربیات مثبت و لذت بخش در فضای مدرسه می‌شوند و آرامش و تعادل فضای مدرسه و روابط بین فردی دانش‌آموزان را دچار چالش می‌کند. پرخاشگری و رعایت نشدن برخی ضوابط اخلاقی و انضباطی، و اصول مناسبات میان فردی، از جمله این موارد هستند.

اما نکته بسیار مهم فاصله مشکلات پرورشی (تربیتی) و فعالیت‌های پرورشی است؛ به گونه‌ای که دو مقوله مستقل هستند و مسائل و مشکلات تربیتی موضوع برنامه‌های پرورشی مدرسه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی به صورت مستقل بر اساس برنامه اعلامی و ابلاغی برگزار می‌شوند.

یافته‌های کلی

یافته اول: انواع مشکلات پرورشی مدرسه و نسبت آن‌ها با فعالیت‌ها و برنامه‌های پرورشی

سه نوع مشکل پرورشی خرد که مطرح شد، سه حیطه فردی، کلاسی و محیط عمومی مدرسه را شامل می‌شود. مشکلات دسته اول نیازمند کمک کارشناسان مشاوره و روان‌شناسی است، اما در مدارس ابتدایی که فعلاً امکان استفاده از خدمات مشاوره را ندارند، لاجرم این دسته از مشکلات کمتر امکان پی‌گیری می‌یابند. مشکلات دسته‌های دوم و سوم در کلاس و محیط مدرسه خود را می‌نمایانند و معلمان و کادر اداری - آموزشی مدرسه درگیر آن می‌شوند. ایشان نیز به رفع این دسته مشکلات اهتمام می‌ورزند. اما نکته بسیار مهم فاصله مشکلات پرورشی (تربیتی) و فعالیت‌های پرورشی است؛ به گونه‌ای که دو مقوله مستقل هستند و مسائل و مشکلات تربیتی موضوع برنامه‌های پرورشی مدرسه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی به صورت مستقل بر اساس برنامه اعلامی و ابلاغی برگزار می‌شوند. معاون پرورشی به عنوان یکی از اعضای این کادر، همانند دیگران به دشواری‌های پرورشی و مشکلات دانش‌آموزان توجه دارد، اما این تلاش و توجه ارتباطی به برنامه‌های پرورشی، ابلاغی ندارد و ایجاد تعامل میان مشکلات و فعالیت‌های پرورشی در برنامه‌ها پیش‌بینی نشده است. لذا واژه پرورش به یک مشترک لفظی تبدیل شده است.

یافته دوم: درک پیوند عمیق مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی

اغلب مدارس کمابیش با مشکلاتی از نوع مشکلات مطرح شده در این مدرسه مواجه هستند. در هر مدرسه تعدادی دانش‌آموز تک والد یا بدسرپرست حضور دارند. مشکلات دیگر از جمله فقر، مهاجرت، بی‌سوادی والدین و اشتغال دانش‌آموزان در کنار تحصیل هم مبتلا به تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان مدارس است. به این ترتیب، دانش‌آموز از شرایط دشوار و با فشار به مدرسه می‌آید،

نقش بسیار مهمی که دانشگاه به عنوان یک نهاد مرجع علمی می‌تواند ایفا کند، وظیفه برنامه‌ریزی، همفکری و ایجاد فضای هماهنگی و همکاری مبتنی بر مبانی علمی و به ویژه در تحلیل مسائل مشترک و کمک در یافتن راه‌حل‌های مؤثر بومی مبتنی بر دانش علمی، دینی و فلسفی است.



در کلاس می‌نشینند و درس می‌خوانند. این شرایط بر کیفیت حضور و تحصیل دانش‌آموز تأثیر جدی دارد. ظهور آسیب‌های ناشی از معضلات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی به وظایف و کارآمدی سایر نهادهای اجتماعی در جامعه مربوط است؛ آسیب‌هایی نظیر اعتیاد پدر، شرایط خانواده را به شدت تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. ناکارآمدی نهادهای اقتصادی جامعه (ریشه‌های بیکاری و فقر خانواده‌ها و عامل کمبود بودجه مدارس که زمینه‌ساز حرکت به سمت استفاده از کمک‌های مردمی و دریافت شهریه از دانش‌آموزان مهاجر افغان برای تأمین بخشی از هزینه‌هاست و گاه اجبار انتخاب میان پرداخت شهریه و ترک تحصیل را موجب می‌شود)، ناکارآمدی عملکرد نهادهای انتظامی (در نحوه مواجهه با انواع بزه و مهار

بزه‌کاران در محله و نیز غفلت‌های قانونی - اجرایی در مواردی نظیر اعمال خشونت نسبت به زنان و کودکان در خانواده) سبب آسیب‌هایی می‌شود و دانش‌آموزان آن‌ها را با خود وارد فضای مدرسه می‌کنند. و آنگاه که نهادی مانند شهرداری برای از بین بردن یک کانون بزه و تبدیل آن به فضای سبز، به تخریب آن اقدام می‌کند، اجبار به تغییر محل سکونت و افزایش هزینه‌های سکونت، موجبات تشدید فشار بر خانواده‌های نیازمند را فراهم می‌آورد.

در چنین شرایطی، مدرسه لاجرم پایه‌پای دانش‌آموز و خانواده‌اش درگیر این مشکلات می‌شود و این یعنی مدرسه با سایر نهادهای اجتماعی در پیوندی عمیق است و خود به عنوان نهادی اجتماعی، بار سنگین نارسایی عملکرد سایر نهادها را نیز به دوش می‌کشد. در چنین شرایطی، مدرسه به عنوان قطب تأثیرپذیر و نهادهای مذکور به عنوان قطب تأثیرگذار عمل می‌کنند. در حالی که مدرسه موظف است در همین شرایط، موجبات آموزش و پرورش دانش‌آموز را به بهترین شکل فراهم کند و کارکنان مدرسه و معلمان مدام از موانعی که به دلیل همین آسیب‌ها بر سر راه آموزش و پرورش بهینه دانش‌آموز قرار دارند، صحبت می‌کنند. علاوه بر این‌ها، در کنار هم قرار گرفتن دانش‌آموزان شیعه و سنی باعث تنش‌هایی به‌ویژه در مناسبت‌های خاص می‌شود. با این وصف، توجه مدرسه به پیشگیری از بروز اختلافات احتمالی در برنامه‌ریزی پرورشی برای مناسبت‌های گوناگون مذهبی، ضروری خواهد بود. این‌ها واقعیت‌های دنیای عمل است و به همین دلیل مدرسه برای انجام رسالت آموزشی و پرورشی خود، عملاً به کمک و همیاری این نهادها نیازمند است. آیا چنین همیاری و کمکی امکان‌پذیر است؟

در نظام آموزشی ایران که تمرکز مهم‌ترین و پررنگ‌ترین ویژگی آن است و مدرسه فضایی تابع مقررات و بخش‌نامه دارد، معمولاً نهادهایی که با آن‌ها احساس بیگانگی دارد، اجازه ورود به مدرسه را نمی‌یابند و فقط نهادهای دارای مجوز یا معتمد مانند نهادهای بهداشتی چنین مجوزی می‌یابند. در حالی که به‌ویژه در محله‌های فقیرنشین یا

جرم‌خیز که کودکان در معرض آسیب قرار دارند، مدرسه با همکاری سایر نهادهای محلی، در مأموریت خود موفق نخواهد بود. در واقع، مدرسه باید نقطه فعالیت‌های مشترک شهرداری، نیروی انتظامی، شورایی محل و مسجد محل باشد تا با برنامه‌ریزی واقع بینانه و مشارکتی، به فراخور وظایف و امکانات، در امر تعلیم و تربیت فرزندان محله قدم بردارد و در کنار تمام این نهادها، دانشگاه و حوزه به عنوان نهادهای مرجع علمی وظیفه‌ای جدی دارند.

مدرسه به مثابه «کانون تربیت محله» در سند ملی برنامه درسی

مایه خوشوقتی است که سند تحول بنیادین به عنوان مرجع رسمی تمامی فعالیت‌های حوزه آموزش و پرورش، و سند برنامه درسی ملی، زمینه‌هایی برای چنین همراهی و مشارکتی را فراهم آورده است. در زیر مواد و بندهایی که این موضوع را به طریقی مورد توجه قرار داده است، ارائه می‌شوند:

● فصل دوم، بیانیه ارزش‌ها، در بند ۲۷، مدرسه را به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی معرفی می‌کند.

● فصل چهارم، چشم‌انداز، مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، از جمله ویژگی‌های مدرسه را «نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و پیشرفت و کانون تربیت محله» دانسته است. تعبیر «کانون تربیت محله» بسیار کلیدی است و گویای همان جایگاهی است که باید در محله و در جریان همکاری‌های نهادهای دست‌اندرکار آن برای مدرسه به رسمیت شناخته شود.

● فصل هفتم که هدف‌های عملیاتی و راهکارها را ارائه کرده است، در راهکار ۲-۷، بر «تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله» تأکید کرده است. اما توجه کنیم که مدرسه، به‌ویژه مدارس مناطق آسیب‌زا، به همکاری‌های گسترده‌تر و متنوع‌تری نیاز دارند.

● بالاخره سند برنامه درسی ملی، در بند ۱۳ که به توضیح ساختار و زمان آموزش اختصاص دارد، در ذیل

این طرح با همکاری چه کسانی اجرا شد؟



اجرای این پژوهش جز با همکاری دکتر حسین طالب‌زاده، رئیس آموزش و پرورش منطقه دو تهران و معاون ایشان مهندس طالبی که زمینه معرفی و همکاری ما با مدرسه سیدجمال‌الدین اسدآبادی را فراهم آوردند، امکان‌پذیر نبود. مدیر مدرسه امیر محمد افتخاری و سه نفر از معاونان سختکوش، فرحناز تقی‌زاده، رعنا اسدی و نجمه قربانی نیز در طول مدت اجرای طرح به گرمی پذیرای ما بودند. چهار نفر از معلمان علاقه‌مند مدرسه، فریبا رجبی و مریم اعتمادالسلطانی از پایه پنجم و فرحناز ذاکری و قاسمی از پایه ششم، با علاقه و پشتکار فراوان اجرای طرح را پی‌گیری کردند. از طرف دانشگاه تهران هم دکتر شهین ابروانی و دکتر نرگس سجادی، از اعضای هیئت علمی گروه فلسفه تعلیم و تربیت و محمدرضا مدنی‌فر و سعیده باقری از دانشجویان دکتری همین گروه، به تناوب در جلسات حضور داشتند و از نزدیک یا دورادور این تجربه جمعی را همراهی می‌کردند. علاوه بر آن، در دانشکده، اعضای گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، به ویژه دکتر علی اکبر ارجمند و اعضای گروه روان‌شناسی تربیتی، به خصوص دکتر الهه حجازی، به یاری پروژه شتافتند. تیم پژوهشی دکتر ارجمند و در بررسی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان مدرسه و دکتر حجازی، با همراهی یکی از دانشجویان گروه آموزشی‌شان، خانم میرزایی، در موضوع اصلاح رفتارهای پر خاشگرا نه دانش‌آموزان، همراه و همکار پروژه بودند. همچنین یک مشاور داوطلب، خانم ابراهیمی، طی مدت اجرای طرح، به صورت پاره وقت به عنوان مشاور کارورز در مدرسه حضور داشتند و در ضمن همکاری با اولیای مدرسه، تیم دانشگاه را نیز در اجرای برنامه‌ها یاری می‌کردند. در نهایت، اجرای این پژوهش نتیجه اراده جمعی و پیگیری و علاقه‌ای بود که تک‌تک این افراد در دنبال کردن مسائل تربیتی دانش‌آموزان از خود نشان دادند.

بخش ۲-۱۳ که به زمان تعلیم و تربیت می‌پردازد، در بند ۶ اظهار می‌دارد: «وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده‌ها، دستگاه‌های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه، به خصوص بخشی از برنامه‌ها که در تابستان اجرا می‌شوند، استفاده کند». این بند به امکان همکاری‌های گسترده‌تر با نهادهای خارج از مدرسه اشاره دارد.

مجموعه بندهای مذکور در سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی، تمهیدات قانونی برای همکاری مدرسه و نهادهای محلی را فراهم می‌کنند. اما نوع همکاری‌ها به فعالیت‌های پرورشی خرد مربوط است. آنچه در پیوند عمیق مدرسه و سایر نهادها در یافته دوم به دست آمد، علاوه بر حوزه فعالیت‌های پرورشی خرد درون مدرسه‌ای، مستلزم اقدامات لازم در منطقه و محله است که به ویژه شهرداری و نیروی انتظامی و حتی شورایی می‌توانند در این باره مؤثر باشند و نتیجه آن کمک به حذف یا تعدیل مشکلات پرورشی کلانی است که مدرسه با آن دست به گریبان است. آموزش، حمایت عملی و ایجاد امنیت برای دانش‌آموزان و مادران ایشان که گاه زنان سرپرست خانوار هستند و تخصیص برخی امکانات تکمیلی برای فعالیت‌های پرورشی مدرسه در این راستا می‌تواند قدم‌های تعیین‌کننده‌ای برای اصلاحات اصیل و کلان آموزشی و منطقه‌ای باشد و امکان نیل به هدف‌های آموزشی - پرورشی مدرسه را تا سطح قابل قبولی افزایش دهد.

نقش بسیار مهمی که دانشگاه به عنوان یک نهاد مرجع علمی می‌تواند ایفا کند، وظیفه برنامه‌ریزی، همفکری و ایجاد فضای هماهنگی و همکاری مبتنی بر میانی علمی و به ویژه در تحلیل مسائل مشترک و کمک در یافتن راه حل‌های مؤثر بومی مبتنی بر دانش علمی، دینی و فلسفی است.